انترناسیونال 770

گفتگوی سیما بهاری در تلویزیون کانال جدید با اصغر کریمی

**آینده مذهب در ایران**

نفرت وسیعی علیه مذهب و حکومت مذهبی در میان مردم، بویژه نسل جوان در ایران شکل گرفته است. حزب کمونیست کارگری در ادبیاتش از یک جنبش وسیع ضد مذهب صحبت میکند. در برنامه امروز به این مساله میپردازیم. مشخصات و طول و عوض این جنبش چیست، چه مشخصاتی دارد، اهمیت این جنبش چیست، حکومت بعدی در ایران با مذهب چه برخوردی میکند، آزادی مذهب چگونه تضمین میشود و همینطور آزادی بی مذهبی، حزب کمونیست کارگری برنامه و سیاست هایش چیست و از نظر این حزب آینده ایران چگونه خواهد بود؟

**سیما بهاری:** در اعتراضات مردم شعارهایی مثل؛ اسلامو پله کردین مردمو ذله کردین، و حقوق بازنشسته زیر عبا است امروز، داده میشود. آخوندها سالها است جرات ظاهر شدن در اماکن عمومی را ندارند. جوک های ضد مذهبی تا دلتان بخواهد زیاد است. اینها ریشه در چه دارد؟

**اصغر کریمی:** این موج بازگشت از مذهب است که بسیار گسترده و عمیق است. موقعی که مردم میبینند به اسم مذهب چه دزدی هایی صورت گرفته، چه اختلاس های بزرگی شده، چطور آیت الله ها امام جمعه ها و مقامات حکومت به اسم اسلام میلیاردر شده اند، مردم کرور کرور به ماهیت مذهب و حکومت مذهبی و آیت الله و مقدسات مذهبی پی میبرند و آخوند و کل اسلام را عامل بدبختی خودشان میبینند. موقعی که مردم در تظاهرات های توده ای میگویند اسلامو پله کردین مردمو ذله کردین، یا بازنشسته ها شعار میدهند حقوق بازنشسته زیر عباست امروز، میدانند پول هست، هرروز خبر اختلاس های میلیاردی را از زبان خود مقامات میشنوند، نمونه تازه اش همین فیروزآبادی که اخیرا بعد از ۲۵ سال مجبور شد قصر صدها میلیون دلاری اش را که فقط برای تفریح آخر هفته هایش بود خالی کند، در حالیکه چندرغاز حقوق کارگر را بالا میکشند، خیلی طبیعی است مردم از جماعت آخوند و آیت الله و پیش نماز و کل موعظه هایی که آنها روی منبر میکنند، برمیگردند. یا موقعی که میبینند به اسم الله به خیلی ها تجاوز کردند،‌ به اسم الله هزاران نفر از عزیزان مردم را کشتند، به اسم الله اسید به صورت زنان پاشیدند، به اسم الله زنان را از هر حقی محروم کردند و بطور کلی به اسم الله و اسلام مردم را ذله کردند، از هرگونه آزادی محروم کردند و یک زندگی جهنمی را به اکثریت جامعه تحمیل کردند، روشن است که مردم از مذهب رویگردان میشوند، یک نفرت عمومی علیه مذهب شکل میگیرد و یک جنبش ضد مذهبی بوجود میاید. جدالی بسیار عمیق، سیاسی و در ابعاد دهها میلیونی با مذهب در ایران در جریان است و این فضای جامعه ایران را نشان میدهد.

**سیما بهاری:** اینها نشانه نفرت مردم علیه آخوند و آیت الله و نفرت علیه حکومت مذهبی است یا علیه خود مذهب؟

**اصغر کریمی:** علیه هر دو. موج نفرت و اعتراض در ابتدا علیه حکومت شروع شد ولی مردم حکومت را جدا از ایدئولوژی اش نمیدانند. در دوران حاکمیت فاشیسم در آلمان، نفرت عمیق مردم فقط متوجه حکومت هیتلر نشد متوجه خود فاشیسم و کل دستگاه فکری آن هم شد و یک موج قوی علیه فاشیسم در سطح جهان شکل گرفت. بعلاوه در حال حاضر در سطح بین المللی هم پیشرفت علم و تکنولوژی باعث شده که بشر به علت و ریشه پدیده ها پی ببرد و زیرآب مذهب زده شود. چون مذهب یک خرافه است و از ناآگاهی مردم تغذیه میشود و با هر درجه علم مذهب بی اعتبارتر میشود. اما بویژه در سالهای گذشته مدیای اجتماعی و پخش خبرهای هر روزه تجاوز کشیش ها به کودکان، به موج ناباوری به دین و خدا و موج بی خدا شدن و آتئیست شدن وسیعا دامن زده است. کلیساها دارند خالی تر میشوند و بعضا به فروش گذاشته میشوند. در ایران اما بدلیل حکومت مذهبی این موج برگشت وسیعتر است چون مردم موسیقی هم بخواهند گوش بدهند باید از مذهب رد شوند. آزادی بخواهند یا بخواهند، حجاب اسلامی نداشته باشند باید از مذهب عبور کنند. بخاطر یک رابطه ساده بین دختر و پسر باید اخلاقیات اسلامی و آخوند و اسلام و قرآن و احادیث و پیغمبر و همه اینها را زیر پا بگذارند، یا بخاطر خوردن یک لیوان مشروب. نه فقط روشنفکران و تحصیل کرده ها بلکه توده های عادی مردم همه اینها را میبینند و کرور کرور دارند متوجه میشوند که مذهب عامل بدبخثی و ذلالت و گمراهی و محرومیت است. متوجه شده اند که پشت این دستگاه مذهب چه جنایت و کثافت و عفونتی است. در نتیجه، طبیعی ترین چیز این است که موج وسیع مذهب گریزی در میان مردم شکل بگیرد. رویگردانی از مذهب قبلا هم وجود داشته، در دوره مشروطیت جنبشی اجتماعی علیه مذهب و بطرف سکولاریسم شکل گرفت. بعد از آن نویسندگان ضدمذهبی مانند هدایت و دشتی را داشتیم که جامعه روشنفکری تحت تاثیر آنها بود. ولی در دوران جمهوری اسلامی بویژه در یکی دو دهه اخیر این موج بدلایلی که گفتم ابعادی بسیار گسترده و توده ای بخود گرفت. این موج فقط علیه جمهوری اسلامی نیست علیه کل اسلام و دین و خدا و همه مقدسات مذهبی است. مردم مقدسات را دست می اندازند، جوک درست میکنند علیه کل مقدساتی که با تیغ و دشته و سرکوب و انواع جنایت و مردم فریبی به خورد جامعه داده شده و آخوند و آیت الله به منفورترین موجود در جامعه تبدیل شده است.

**سیما بهاری:** یعنی شما میگویید ایران کشوری اسلامی نیست؟ بالاخره بخشی از مردم مسلمانند. نماز میخوانند و روزه میگیرند و مسجد میروند.

**اصغر کریمی:** روشن است که بخشی از مردم این اعتقادات را دارند ولی برای اینکه بگوییم جامعه اسلامی است این کافی نیست. جامعه اسلامی است یعنی بخش اعظم مردم طرفدار راه و روش اسلامی در زندگی خود هستند و سنت های اسلامی و قوانین اسلام و قرآن بر زندگی آنها حاکم است دوست دارند آخوند در گوش بچه شان ورد بخواند،‌ بچه هایشان را به مسجد ببرند،‌ مساجد پررونق باشد. ولی کاملا برعکس است مردم دوست دارند موسیقی گوش بدهند که میدانند اسلام مشخصا چه ضدیتی با آن دارد، رابطه دختر و پسر هیچ رنگ و بویی از مذهب ندارد، در زمینه برخورد با کودک مردم فرهنگ کاملا متفاوتی با سنت های اسلامی دارند و کلا راه و رسم حاکم بر زندگی مردم کاملا غیر اسلامی است.

دو جماعت هستند که جامعه ایران را اسلامی میخوانند، یکی خود جمهوری اسلامی و ملی اسلامیون که میگویند ایران اسلامی است پس حکومت اسلامی میخواهند. کل جنبش اسلامی و تخم و ترکه های آن و شخصیت های مرتجع آن میگویند ایران جامعه ای اسلامی است تا بگویند حکومت اسلام برازنده آن است و مشروع است. دسته دیگر دول غربی و احزاب و رسانه های حاکم در غرب هستند که برای اینکه با جمهوری اسلامی رابطه داشته باشند و آنرا به رسمیت بشناسند،‌ میگویند جامعه ایران اسلامی است تا با وجدان راحت تری با جمهوری اسلامی مماشات کنند و جنایاتش علیه مردم را نادیده بگیرند. در اروپا هم عده ای به مسیحیت اعتقاد دارند اما این باعث نمیشود که بگویند فرانسه کشوری مسیحی است یا آلمان و سوئد و انگلیس و غیره مسیحی هستند. جامعه ایران زمان شاه هم اسلامی نبود الان بطریق اولی اسلامی نیست. مشخصه واقعی کنونی جامعه ایران ضد مذهب بودن آن است نه مذهبی بودن آن. بنابراین تمام رسانه ها و حتی بخش هایی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی که ایران را اسلامی معرفی میکنند دارند خاک به چشم مردم میپاشند. حکومت اسلامی است اما حتی به زور اینهمه جنایت و دشنه و اسید و سنگسار و اعدام هم حریف مردم نشده که آنها را اسلامی کند. برعکس فرهنگ و رسومات ضدمذهبی رشد کرده و به همین خاطر حکومت اسلامی وصله ناجوری برای جامعه ایران است و مردم میخواهند از آن رها شوند.

**سیما بهاری:** شما و کلا حزب کمونیست کارگری سالها است از جنبش ضد مذهبی در ایران صحبت میکنید. این جنبش را چگونه تعریف میکنید، چقدر وسعت دارد؟ مشخصات این جنبش چیست؟

**اصغر کریمی:‌** این جنبش وسیع و توده ای است و شاخه های مختلفی دارد. طبق آماری از کارشناسان خود حکومت در چند سال قبل منتشر شد حدود ۹۱ و نیم درصد از جوانان با هم رابطه جنسی داشتند که شامل بسیاری از فرزندان و نوه های آیت الله ها هم میشود. و همه میدانند که این از نظر اسلام حرام است و فقط همین یک فاکتور نشان میدهد که جنبش ضدمذهبی چه ابعاد گسترده ای دارد. مساجد خالی است و از هشتاد میلیون جمعیت ببینید چند نفر به مسجد میروند که البته بخشی از آنها عوامل و اوباش حکومتند و حتی بسیاری از آنها هم واقعا اعتقادی به مذهب ندارند. بسیاری از بسیجی ها و پاسدارها هم اعتقادی به اسلام و مقررات اسلام ندارند. از حکومتشان دفاع میکنند اما اینطور نیست که به خانه که میروند نماز یا دعای کمیل میخوانند. کودک در اسلام مثل احشام است و هر کاری بخواهند سر او میاورند و دختر هم طبق قوانین اسلام از ۹ سالگی باید شوهر کند اما واقعا چند درصد مردم مطابق این قوانین و سنت پیغمبر اسلام با کودکانشان رفتار میکنند. یا رواج بی خدایی و لامذهبی در مقیاسی خیلی گسترده و یا جوک هایی که علیه آخوند ساخته میشود، اینها همه نشانه وجود یک جنبش وسیع و عمیقا توده ای ضد مذهبی است. بخش زیادی از مردم در سنین مختلف و نه فقط نسل جوان در طول این سالها ماهیت مذهب را بخوبی شناخته اند. و علیرغم اینکه بخش اعظم مردم در دوران جمهوری اسلامی به دنیا آمده اند و از صبح تا شب احادیث مذهبی به خورد آنها داده شده و آخوند بیشترین امکانات تبلیغی این مملکت در دستش بوده، ولی واقعا حریف مردم نشده اند برعکس از هرچه رنگ و بوی اسلامی دارد زده شده اند. اینرا مقامات مختلف حکومت بارها و بارها اذعان کرده اند. جنبش آزادیخواهانه وسیعی که در جامعه وجود دارد و یا جنبش گسترده سرنگونی طلبی اینها همه نشاندهنده یک جنبش وسیع ضد مذهب است. امروز بخش وسیعی از کسانی که خود را مسلمان میدانند هم میگویند حکومت اسلامی نمیخواهیم حکومت سکولار میخواهیم. اینها همه شاخه های جنبش ضدمذهبی، ضد حکومت مذهبی و جنبشی برای رهایی از شر مذهب است. یک بعد دیگر این جنبش هم جنبش چپ و کمونیستی و مشخصا جنبش کمونیسم کارگری است که سالها علیه مذهب تبلیغ کرده،‌ ماهیت طبقاتی و ضد مردمی آنرا به جامعه معرفی کرده است. ۱۴ سال است کانال جدید با بینندگان میلیونی خود یک فرهنگ و تفکری را رشد داده، ریشه های طبقاتی و سیاسی مذهب را برای مردم توضیح داده،‌ و امروز کم نیستند روشنفکران ضد مذهب که عقاید و اندیشه های خود را در میان مردم تبلیغ میکنند. یعنی یک جنبش وسیع آگاهگری در میان مردم وجود دارد و زمینه بسیار مناسبی برای رشد پیدا کرده است. امروز این جنبش که قبلا بیشتر فرهنگی بود به سیاست کشیده شده و خود را در شعارهای مردم هم نشان میدهد. این جنبش حزب خودش را هم دارد که نقش روشنی در تعمیق و گسترش این فضای غیر مذهبی و ضد مذهبی داشته است.

**سیما بهاری:** در کشورهای دیگری هم حکومت اسلامی هست، مثل افغانستان و عراق و یا کم و بیش در کشورهای منطقه. آیا در این کشورها هم جنبش ضد مذهبی و نفرت از مذهب وسیع است؟

**اصغر کریمی:** بله وجود دارد اما در بعدی متفاوت. در افغانستان علیرغم جنایات هولناک طالبان و حکومت قبیله ای اسلامی عقب مانده که همین الان هم حاکم است،‌ یک جنبش ضد مذهب شکل گرفته، یک فرهنگ ضد مذهبی و یک جنبش آزاداندیشی شکل گرفته است، در ترکیه که این جنبش خیلی قوی است، در فلسطین خیلی قوی است و همین چندسال پیش شاهد مانیفست جوانان غزه بودیم که صریحا گفته بودند از همه این دار و دسته های مذهبی متنفریم. در عراق این جنبش ریشه های قدیمی تری دارد،‌ در مصر و لبنان و سایر کشورهای منطقه هم این جنبش هست، اما در ایران بدلایل مختلف طول و عرضش فوق العاده وسیعتر است، سیاسی تر و تعرضی تر است، آگاه تر است، و دارد تاثیر خودش را و تشعشعات خودش را در کل منطقه هم نشان میدهد.

**سیما بهاری:** شما از فرهنگ مدرن و جنبش رهایی زن صحبت کردید. ربط اینها با مذهب یا با جنبش ضد مذهبی چیست؟

**اصغر کریمی:** بدرجاتی این مساله را توضیح دادم و اشاره کردم که جنبش رهایی زن یا رابطه دختر و پسر و تفکر و فرهنگ و رفتار مردم با کودک یا تحمیل موسیقی به حکومت و علاقه به فرهنگ اروپایی که از دوره مشروطه شکل گرفته و امروز وسعت بیشتری پیدا کرده است، به همان نسبت هم راه و رسم مذهبی و فرهنگ کپک زده حاجی بازاری کمرنگ تر و کمرنگ تر شده است. به این معنی هرچه این جنبش های مدرن و آزادیخواهانه بیشتر رشد کرده، زیر پای مذهب هم خالی تر شده است.

**سیما بهاری:** چقدر این جنبش و کلا مبارزه با مذهب با مبارزه علیه سرمایه داری ارتباط دارد؟ به این معنی چقدر جنبش ضد مذهبی یک جنبش چپ است؟

**اصغر کریمی:** بنظر من یکی از شکوهمندترین اتفاقات جامعه ایران این است که این جنبش ریشه های چپ و ضد سرمایه داری دارد. اینطور نیست که آخوند بخاطر قدیمی بودن تفکرش یا به این خاطر که مخالف علم است، اینقدر منفور است. آیت الله جماعت امروز مظهر و سنبل دزدی و فسادند، مردم در ابعادی چند میلیونی میگویند اینها با استفاده از اسلام و به اسم اسلام‌ میلیاردر شده اند و ما را در فقر نگه داشته اند، مردم بخوبی میدانند که چمکران و امامزاده ها را درست کرده اند که جیب مردم را خالی کنند. مردم از زبان خود مقامات شنیده اند که کله گنده ترین آیت الله ها مثل امامی کاشانی و ریشهری و طبسی و محمد یزدی و شاهرودی و رفسنجانی و غیره و غیره چقدر کارخانه و ملک و معدن مصادره کرده اند و چه سرمایه هایی به هم زده اند و میبینند که مذهب واقعا چه دکان بزرگی است، چه تجارت و بینزینسی است، و آیت الله ها که خود را نمایندگان خدا میدانند و توضیح المسائل مینویسند و مردم فقیر و محروم را موعظه میکنند چه دزدان حرفه ای هستند و تا چه درجه فاسد و ریاکارند. یک دلیل دیگری که میگویم این جنبش ضد مذهبی ریشه چپ دارد هم این است که اگر دویست سال قبل بورژوازی مذهب را مانع رشد خودش میدید و کلیساها را مانع خودش میدید و با مذهب در می افتاد ولی در دهها سال گذشته دیگر سرمایه داری و جنبش ها و احزاب طبقه سرمایه دار مطلقا دیگر این نقش را ندارند و برعکس تلاش کرده اند که مذهب را ابقا کنند، نابرابری ها را توجیه کنند، استانداردهای جامعه را پایین بیاورند. همین رضا پهلوی تا یکسال قبل با عبارت خداوند نگهدار ایران باد اطلاعیه هایش را امضا میکرد یا حزب دمکرات کردستان همچنان قرآن از تلویزیونش پخش میکند، قوم پرستان همینطور و ملی اسلامی ها هم که اسمشان روی خودشان است. هرچند بخش هایی از اپوزیسیون بورژوایی تحت فشار جنبش و فضای ضدمذهبی از سکولاریسم صحبت میکنند اما پیشقراول نبودند، چپ جامعه و این فضای وسیع ضدمذهبی به آنها همین درجه از سکولاریسم را تحمیل کرده است. در برنامه شان هم چیزی در این زمینه دیده نمیشود. حداکثر یک سکولاریسم خشک و خالی میگویند اما حاضر نیستند بگویند این میلیاردها دلاری که توسط نهادهای مذهبی و آیت الله ها بالاکشیده شده مصادره میشود. یا برنامه شان درمورد مذهب رسمی چیست. به این معنی جنبش ضد مذهبی در ایران پایگاهی چپ دارد. البته به این معنی نیست که هر کس ضد مذهب است چپ است و همه آنها که شعار مثلا اسلامو پله کردن میگویند همه چپند، اما این جنبش کاملا رشد فضای چپ را نشان میدهد وگرنه همینطور که گفتم جنبش بورژوایی با مذهب همیشه سازش کرده است.

**سیما بهاری:** یعنی هر کس ضد مذهب است چپ و سوسیالیست است؟

**اصغر کریمی:** معنی صحبت من این نیست که هر کس ضد مذهب است چپ است. مردمی هم که شعار میدهند اسلامو پله کردین بعضا منظورشان این است که اسلام خودش بد نیست ولی بالایی ها دارند از آن برای چاپیدن مردم استفاده میکنند ولی حتی همین درک هم به نوعی درافتادن و بی اعتبار شدن و بی اعتبار کردن مذهب است. اما بخش زیادی از مردم هم عمیقا نقش مذهب را شناخته اند و میدانند که کل اسلام و احکام اسلامی و بارگاه و عمارت اسلامی یک بیزینس است برای خالی کردن جیب مردم. یعنی ابزاری برای استثمار است. ابزاری در دست طبقه حاکم است و به مفتخوری یک اقلیت و فقر و محرومیت اکثریت مردم مستقیما ربط دارد. کاملا روشن است که این جنبش و این فضای ضد مذهبی ربطی به جنبش های بورژوایی ندارد، با ضدیت با سرمایه داری عجین شده است و به این معنی کاملا همسو با جنبش چپ و سوسیالیستی است.

**سیما بهاری:** سراغ آینده ایران برویم. بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی. دولت بعدی به مذهب چه برخوردی باید بکند؟

**اصغر کریمی:** سی سال قبل به ما میگفتند حزب کمونیست کارگری زیادی تند است علیه مذهب، باید به مذهب مردم احترام گذاشت یا اینها باورهای مردم است و باید حساب مذهب مردم را از حکومت جدا کرد، ولی ما به این عقب ماندگی ها گوش ندادیم و گفتیم حتی اگر به نادرست اسلام را یک سلسله باورها بدانیم اما یک حزب پیشرو که نباید دنبال عقب افتاده ترین باورها برود و به آن تمکین کند. ولی امروز آنچه حزب کمونیست کارگری میگوید تندترش را مردم دارند میگویند. آن میلیون ها نفری که از مذهب برگشته اند امروز حزب را خوب درک میکنند و با موضع حزب نسبت به مذهب همسو هستند. این حقانیت حزب را نشان میدهد که از سی چهل سال قبل حقایق مربوط به مذهب را با صراحت با مردم در میان گذاشته است. نکته دیگر اینکه هیچ جریان اسلامی نمیتواند قدرت بگیرد و هر حکومتی بعد از جمهوری اسلامی سر کار بیاید نمیتواند اسلامی باشد و اسلام را به دین رسمی تبدیل کند. جریانی مثل مجاهدین هرچند بخاطر فشار این جنبش ضد مذهبی جنبه هایی از اسلامی بودنش را کمرنگ کرده است ولی مردم از این ها رد شده اند و هزار بار مدرن تر از اینها هستند. مردم مذهب را میلیونی دارند دفع میکنند. مردم فاجعه اسلام و اسلام سیاسی و حکومتش را دیده اند و در نتیجه حکومت بعدی، هر کس سر کار بیاید، یک حکومت سکولار خواهد بود. دست مذهب را باید از قوانین و آموزش و پرورش، از دولت و از جیب مردم کوتاه کرد. باید قوانین سفت و سختی در دفاع از حقوق زن، در دفاع از کودک، در دفاع از سکولاریسم گذراند. قوانین قضایی را باید کاملا از مذهب جدا کرد. در شناسنامه مردم وابستگی به مذهب را باید از بین برد. باید یک شهروند با حقوق شهروندی اش شناخته شود. از نظر اقتصادی هم هزاران میلیارد دلاری که توسط موسسات مذهبی و امامزاده ها و آیت الله مصادره شده باید پس گرفته شود و صرف رفاه و طب و تحصیل و خوشبختی مردم شود. برنامه حزب ما درمورد مذهب بسیار مفصل تر است و امیدوارم در بخش دوم برنامه بحث مفصل تری در این زمینه داشته باشیم.

**توضیح: قسمت دوم این مطلب در شماره بعد منتشر میشود.**